

مطالعات اسلامی زنان و خانواده  
دوفصلنامه علمی- پژوهشی  
سال نهم- شماره هفدهم  
پاییز و زمستان ۱۴۰۱

## بررسی دیدگاه مفسران پیرامون تحقق وعده الهی «عناء» در صورت عمل به فرمان «ازدواج»

احسان ابراهیمی<sup>۱</sup>  
نرجس السادات محسنی<sup>۲</sup>

### چکیده

ازدواج، سنگ بنای اولیه تشکیل خانواده و وسیله‌ای برای حفظ دین و اعتقاد انسان و تکامل اوست. خدای والا، در پرتو آیه ۳۲ سوره نور، برای انگیزش انسان به این مسئله بنیادین، وعده رفع فقر و توسعه رزق داده است؛ ولی گاهی در عالم خارج، با مشاهده خلاف این مسئله، تصور خُلف وعده الهی پیش می‌آید. مسئله اصلی در این پژوهش، بررسی دیدگاه مفسران درباره تحقق وعده مذکور با روش توصیفی تحلیلی است. بر اساس یافته‌های تحقیق، مفسران دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه دارند؛ از جمله: قصدنشدن وعده رفع فقر، لازم نبودن استمرار تحقق این وعده، اختصاص نداشتن وعده به توسعه مالی و اختصاص آن به برخی افراد. همه این دیدگاه‌ها با چالش‌هایی روبه‌روست و بر پایه دیدگاه برگزیده، قرآن در مقام بیان وعده رفع فقر و توسعه مالی است؛ لیکن انجام و تحقق این وعده، در محدوده افعال انسان و به انجام دادن وظایف فردی از سوی زوجین و وظایف اجتماعی اولیای عقد و مسئولان جامعه مشروط است. همچنین با نگرش فردی و اجتماعی به آیه، ازدواج و تشکیل خانواده، علت تامّ برای رفع فقر و توسعه مالی نیست، بلکه باید دیگر علل مُعدّه و شروط لازم فراهم شود.

**واژگان کلیدی:** ازدواج، انکاح، عناء، آیه ۳۲ سوره نور، تشکیل خانواده، آثار ازدواج، وعده الهی.

۱. دکترای تفسیر تطبیقی و همکار علمی پژوهشگاه علوم وحیانی اسراء، قم، ایران (نویسنده مسئول): Ehsan\_1144@yahoo.com

۲. طلبه سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی مؤسسه آموزش عالی معصومیه قم، قم، ایران: narjcs.mohseni@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳

## مقدمه

در آموزه‌های دینی، به ازدواج و تشکیل خانواده، اهمیّت بسیاری داده شده است. در این میان، مسئله فقر و نداشتن امکانات مالی، از موانع مهم ازدواج و یکی از چالش‌ها و بهانه‌های همگانی برای فرار از زیر بار تشکیل خانواده است. بر این اساس، قرآن کریم به صراحت، وعده الهی رفع فقر و رونق گرفتن زندگی با ازدواج را متذکر می‌شود (نور: ۳۲-۳۳) و روایات نیز این مطلب را تأیید می‌کنند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۳۰؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۸۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۴۲-۴۴، ح ۲۴۹۸۳ و ۲۴۹۸۹ و مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۰، ص ۳۷۲)

با وجود این، گاهی در عالم خارج و برخلاف این وعده الهی، برخی از افراد فقیر، پس از ازدواج، بی‌نیاز نشده یا افراد توانمندی پس از ازدواج، به فقر و مشکلات مالی گرفتار گردیده‌اند. پدیده‌ای که در ظاهر، وعده الهی مبنی بر افزایش رزق و روزی و غنا به وسیله ازدواج و تشکیل خانواده را با چالش روبه‌رو ساخته و مفسران را به پاسخ و حلّ این مسئله واداشته است.

درباره نقش ازدواج و تشکیل خانواده در رفع فقر و توسعه رزق، پژوهش‌هایی عام و به صورت غیر مستقل در قالب متون تفسیری (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۱۰۷ و صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۱، ص ۹۱)، حدیثی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۵۸۶) و فقهی (راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۷۵؛ سیوری حلی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۳۴؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۸ و شبیری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۷) تدوین شده است. همچنین پژوهش‌هایی خاص و به صورت مستقل در زمینه رابطه ازدواج و رفع فقر، سامان یافته است؛ نظیر مقاله «ازدواج، موجب افزایش رزق و روزی» به قلم سیدجواد موسوی، انتشار یافته در شماره ۸۶ ماهنامه مبلغان، به عواملی اشاره می‌کند که ازدواج، سبب توسعه در روزی و توان اقتصادی فرد مزدوج می‌گردد. در خصوص آیه ۳۲ سوره «نور» نیز مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی آراء تفسیری آیه ۳۲ سوره «نور» با رویکرد تفسیر اجتماعی» اثر داود اسماعیلی و محمدرضا حاجی اسماعیلی در شماره ۱۵ دوفصلنامه علمی کتاب قیّم، انتشار یافته که به صورت کلی و بر اساس روایات و تفاسیر، به تبیین وعده موجود در آیه مذکور می‌پردازد و آن را در مقام نهی از تأخیر ازدواج به دلیل فقر اقتصادی می‌داند.

مقاله پیش رو با نگاهی جامع و با تمرکز بر حلّ چالش پیش گفته، به بررسی و نقد نظریات مفسران درباره کیفیت تحقق وعده رفع فقر در قلمرو آیه ۳۲ سوره «نور» می پردازد. هدف این مقاله، اعتبارسنجی نظرات مفسران و بیان نقاط قوت و ضعف هریک و در نهایت، رسیدن به تفسیری عالمانه تر و دقیق تر از معارف قرآنی است. با توجه به اینکه در این تحقیق، از آیات، روایات و دیدگاه مفسران و فقیهان استفاده می شود، روش (ادله) تحقیق، «نقلی - وحیانی»، شیوه گردآوری داده ها به صورت کتابخانه ای و با مراجعه به دیدگاه اندیشمندان ذیل آیات و روایات مرتبط است. همچنین نحوه پردازش داده ها به گونه توصیفی - تحلیلی است و دیدگاه ها پس از توصیف، با استناد به منابع ادبی و زبان شناسی عرب، اصول استنباط از متن و نیز دیگر ادله قرآنی و روایی معتبر، تحلیل و نقد می شوند.

## ۱. مفهوم شناسی

پیش از پرداختن به مسئله اصلی تحقیق، مفهوم شناسی کلیدواژه های تحقیق برای روشن شدن مبادی بحث، امری بایسته است. در ادامه، این واژگان را بررسی می کنیم:

### ۱.۱. وعده

واژه «وعده» دارای ساختاری فارسی و برگرفته از ماده «وعد» در زبان عربی است که در لغت به معنای امیدوارسازی دیگری با گفتن سخن است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۲۵). بنابراین با واژه «عهد» قرابت معنایی دارد<sup>۱</sup> (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۳۱۹ و قرشی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۲۲۷). واژه «وعد» در امور خیر و شرّ به کار می رود، ولی کلمه «وعید» فقط در امور شرّ استعمال می شود (جوهری، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۵۵۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۲۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۷۵ و حمیری، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۲۲۰)، چنان که کاربرد مصدر «ایعاد» نیز در کار شرّ است (ابن سیده، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۸). در اصطلاح قرآن، «وعده» به معنای پایبندی به انجام دادن امری خیر یا شرّ آمده

۱. البته برخلاف وعده، عهد مقرون به شرط است. همچنین وعده، با انجام محقق می شود، اما عهد با وفا. (ابوهلال عسکری، ۱۴۲۹، ص ۴۸)

که اختصاص یافتن به هریک از آنها، با قرینه مشخص می‌شود (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۱۳، ص ۱۴۳)؛ هرچند عرف مردم، «وعده» را در تعهدات خیر و «وعید» را در پیمان‌های شرّ به کار می‌برند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۲، ص ۴۱۶). با توجه به آنچه گذشت، معنای مدّ نظر از «وعده»، همان تعهدات خیر برای امیدوار ساختن دیگری است.

### ۱.۲. غَنَاء

«غَنَاء» و «غِنَاء» از مادّه «غَنَی» در اصل به معنای کفایت‌کردن است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۴۵۰؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۹۷؛ جوهری، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۴۴۹؛ فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۵۵؛ طریحی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۲۱ و زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۷). برخی واژه‌شناسان قرآنی، اصل «غَنَاء» را ضدّ «فقر» و به معنای احتیاج‌نداشتن دانسته که معناهایی همچون: «کفایت»، «دارا بودن» و «تموّل» از مصادیق و نتایج آن است (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۷، ص ۲۷۴). «إِغْنَاء» نیز مصدر ثلاثی مزید و به معنای بی‌نیازساختن دیگری است. هرگاه به خدا نسبت داده شود، به صورت مطلق (بدون حرف جرّ) می‌آید و هنگامی که به غیر خدا نسبت داده شود، با حرف جرّ «عَن» استعمال می‌گردد. در نتیجه، إِغْنَاءُ اللَّهِ، قید و حدّ و خصوصیت ندارد<sup>۱</sup>. (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۷، ص ۲۷۶)

### ۱.۳. ازدواج

اصل «زوج» به معنای جفت (در برابر فرد) و به معنای دو چیز همراه و قرین است (جوهری، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۲۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۸۴ و مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۴، ص ۳۱۴). با توجه به معنای «زوج»، واژه «ازدواج» نیز مفهوم اقتران و اتحاد دو چیز را می‌رساند (جوهری، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۲۰)؛ چنان‌که در شرع و عرف، به معنای پیمان زناشویی است که مرد و زن با یکدیگر و بر اساس مقررات معین دینی یا عرفی می‌بندند تا در همه جهات زندگی با هم باشند (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۱۲، ص ۲۳۴). به عبارت دیگر، ازدواج، پیوند و پیمان دو روح با یکدیگر بوده و

۱. از منظر مفسران ادبی، هرگاه مادّه «غَنَی» با حرف اضافه «عَن» متعدی شود، زمینه اختصاص معنا به مانع شدن یا کفایت‌کردن را فراهم می‌آورد. (عکبری، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۷۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۰۴ و ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۳۴)

بدین جهت، دارای قداست است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۲۰۰ و ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۱۳۱). قرآن، از پیمان زناشویی با عنوان «نکاح» (بقره: ۲۲۱، ۲۳۰ و ۲۳۲؛ نساء: ۳، ۲۲، ۲۵ و ۱۲۷؛ نور: ۳۱؛ قصص: ۲۷؛ احزاب: ۴۹، ۵۲ و ۵۳ و ممتحنه: ۱۰) و از ترغیب به آن، با عبارت «انکاح» (نور: ۳۲) یاد می‌کند.

## ۲. نزول آیه ۳۲ سوره «نور» و معنای مفردات آن

سوره «نور» در مدینه نازل شد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۷، ص ۹۲) و در چینش کنونی مصحف، بیست و چهارمین و در ترتیب نزول، صد و سومین سوره به شمار می‌آید که پس از سوره «نصر» و پیش از سوره «حج» فرود آمد (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۸، ص ۱۱۲). این رتبه تأخر زمانی در نزول، نشان می‌دهد که این سوره باید بیانگر جزئیات احکام و سبک زندگی اسلامی باشد؛ چنان‌که فضای نزول و معارف این سوره، دربردارنده احکام اجتماعی و خانوادگی و نظام‌مندکردن روابط آن است (معرفت، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۳۷). تشویق و آماده‌سازی افراد جامعه، به‌ویژه جوانان به ازدواج نیز یکی از آموزه‌های اساسی این سوره به شمار می‌رود؛ چنان‌که فرمود: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکارتان را. اگر فقیر و تنگدست باشند، خدا از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد. خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است». (نور: ۳۲)

در این بخش، به بررسی مفردات مهم آیه پرداخته می‌شود:

۲.۱. «أَنْكِحُوا» برگرفته از واژه «انکاح»، مصدر باب افعال از ریشه «نکح» و به معنای به‌نکاح‌درآوردن است. اصل «نکاح»، به معنای «وطی» و «جماع» است (جوهری، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۴۱۳؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۶۲۶ و طریحی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۳۶۹) و به‌گونه مجازی، در عقد ازدواج به کار می‌رود (جوهری، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۴۰۳). در مقابل، برخی معتقدند اصل نکاح، معنای «عقد» را می‌رساند و معنای «جماع»، مجازی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۲۳). در شریعت اسلامی، «نکاح» همسو با معنای لغوی خود، همان مفهوم عقد و تزویج را می‌رساند (محقق

داماد، ۱۳۸۷ش، ص ۲۳). شواهد قرآنی نیز این مطلب را تأیید می‌کنند (احزاب: ۴۹ و نساء: ۶) و در آیه محل بحث نیز «انکاح» به معنای عقد ازدواج است. (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۱، ص ۱۳۳؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۲۰۰ و ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۱۳۱)

**۲,۲. «الْأَيَّامِ»**، جمع «أَيِّم» و به معنای فرد بی‌همسر (مرد و زن / باکره یا غیر باکره) است (جوهری، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۸۶۸). مفسران و لغت‌شناسان قرآنی نیز همین معنا را تأیید کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۰۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۳۳؛ زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۱۸، ص ۲۲۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۱۱۳ و جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج ۵۹، ص ۶۳۰). برخی معتقدند «أَيِّم» از اوصاف اختصاصی زنان است که از باب مشاکله یا تشبیه، برای مردان نیز به کار می‌رود. کاربرد شایع این واژه، در خصوص زنی است که پیش‌تر همسر داشته و به سبب طلاق یا مرگ شوهر، بی‌همسر شده است. بر این اساس، اطلاق این واژه بر دختر باکره بی‌شوهر، رایج نیست و در صورت اطلاق، معنایی مجازی است و گاهی حتی، کثرت استعمال نیز پیدا می‌کند. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۸، ص ۱۷۴)

**۲,۳. «الصَّالِحِينَ»** در آیه، از یک سو مؤید مقصود بودن زنان و مردان از واژه «الْأَيَّامِ» و از سوی دیگر، بیانگر لزوم برخورداری زوجین از صلاحیت لازم برای ازدواج و آغاز زندگی مشترک است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۱۱۳ و صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۱، ص ۱۳۶). این صلاحیت، اعم از دینی - اخلاقی و تدبیری است (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج ۵۹، ص ۶۳۴)؛ زیرا عبارت «وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَانِكُمْ» با جمله «إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا» در آیه پسین تناسب دارد و «خیراً» نیز در روایات، به خیر دینی و مالی معنا شده است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۸۷ و طوسی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۷۰)

**۲,۴. «يُغْنِيَهُمْ»** از ماده «غنی» است و - چنان‌که گذشت - مفهوم کفایت‌کردن را می‌رساند و در این آیه، به معنای کفایت امور انسان مزدوج و برطرف‌کردن فقر و بی‌نیازساختن او از سوی خدایی است که غنی بالذات است؛ زیرا طبق آیه: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر: ۱۵) غیر خدا، فقیر یا مستغنی است نه غنی. البته اغنای الهی در این آیه، به معنای مطلق کفایت و توانگری نیست، بلکه مراد، توانایی اداره زندگی است. به دیگر سخن، مرتبه‌ای از توانگری که در توانایی اداره زندگی دخیل است. (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج ۵۹، ص ۷۱۶)

### ۳. دیدگاه‌های مختلف تفسیری درباره وعده «غناء»

پس از بررسی اجمالی آیه و مفردات آن، به تبیین و تحلیل دیدگاه‌های تفسیری در خصوص وعده رفع فقر و بی‌نیازی به وسیله ازدواج پرداخته می‌شود.

#### ۳.۱. دیدگاه قصدنشدن «وعده»

##### ۳.۱.۱. تبیین دیدگاه

برخی معتقدند که در آیه فوق، وعده رفع فقر و بی‌نیازی قصد نشده و خدای سبحان، در مقام بیان این وعده به فرد مزدوج نیست، تا شبهه خلف وعده پیش آید (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص ۳۷۱-۳۷۲)؛ بلکه هدف اصلی در آیه، ترغیب بی‌همسران به نکاح و تشویق اولیای آنان، به ازدواج دادن است بدون آنکه از فقر بترسند؛ یعنی به فقر و تنگدستی خواستگاران و افرادی که می‌خواهید تزویجشان دهید، توجه نشود (همان و ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۴۷).

فخر رازی در این باره می‌نویسد: «الأصح أن هذا ليس وعدا من الله تعالى يا غناء من يتزوج بل المعنى لا تنظروا إلى فقر من يخطب إليكم أو فقر من تريدون تزويجها في فضل الله ما يغنيهم».

(فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص ۳۷۱-۳۷۲)

باورمندان این دیدگاه، به صرف نقل آن بسنده کرده و دلیل خاصی برای آن نیاورده‌اند. البته برخی از مدافعان این دیدگاه، بر این باورند: عرف مردم از خدای رزاق، غافل‌اند و ازدواج و فراوانی عائله را، سبب فقر، و تجرد و بی‌همسری را مایه ثروت‌اندوزی می‌پندارند؛ از این رو عبارت: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»، در مقام بیان وعده رفع فقر نیست، بلکه توهم مانعیت نکاح برای غنا و بی‌نیازی را رد می‌کند و به مخاطب می‌فهماند که گاهی برکت و فراوانی در مال انسان، با وجود عائله‌مندی پدید می‌آید و زمانی هم انسان، در عین کم‌عائستگی و مجرذزیستن، معیشتی سخت دارد. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۳۵)

##### ۳.۱.۲. نقد دیدگاه

این دیدگاه، از دو جهت قابل نقد و بررسی است:

### یک- نقد ادبی و تفسیری

با استناد به ظاهر آیات قبل و بعد و قواعد ادبی، نمی‌توان این دیدگاه را مدلول قطعی آیه دانست. قرائن موجود در آیه، بر مقام «وعده» بودن و تحقق این وعده در آینده دلالت دارد؛ زیرا اقتضای مقام «وعده»، نوید دادن به خبری خوش در آینده است. وقوع «إن» شرطی بر سر فعل مضارع «يُغْنِيهِمْ» نیز که بیانگر احتمال وقوع در آینده است، این مطلب را تأیید می‌کند؛ یعنی اگر فقری در آینده حاصل شود، خدای توانا رفع آن را تضمین می‌کند. بنابراین، عبارت: «يُغْنِيهِمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»، ناظر به وعده رفع فقر در آینده (در زندگی و پس از ازدواج) و عبارت: «وَلَيْسَتَغْفِبَ الَّذِينَ لَا يُحَدُّونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» در آیه پسین نیز، درباره فقر یا مانع دیگر برای اصل ازدواج است (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج ۵۹، ص ۶۵۸) و در عین حال، به نوعی بیانگر وعده رفع فقر نیز هست.

در نتیجه، آیه نخست بر عموم نهی از ترک نکاح به خاطر ترس از فقر در آینده حمل می‌شود و آیه بعد، امر به استعفاف برای فقر موجودی است که مانع ازدواج می‌شود. پس کسی که اکنون برای تزویج تمکّن دارد، نباید از فقر آینده بترسد و کسی هم که تمکّن فعلی ندارد، باید شکیبایی کند تا متمکّن شود. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۳۳ و شعرانی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۹۳)

همچنین تفاوت کاربرد دو واژه «أنكحوا» و «نكاح» در آیه نیز می‌تواند قرینه دیگری بر دلالت آیه در مقام «وعده» باشد؛ زیرا «انكاح» بر حادث و نسبت فاعلی و مفعولی دلالت دارد، ولی «نكاح» اسم مصدر است و بر اصل حدوث دلالت دارد. بنابراین، عبارت: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ»، امر به ایجاد علقه زوجیت میان افراد بدون ترس از فقر بعد از ازدواج و در آینده است و جمله: «وَلَيْسَتَغْفِبَ الَّذِينَ لَا يُحَدُّونَ نِكَاحًا»، عدم قدرت بر حدوث نکاح و دادن نفقه را می‌رساند.

### دو- نقد روایی

در برخی روایات، با استناد به آیه محل بحث آمده است: «مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْفَقْرِ فَقَدْ أَسَاءَ الظَّنَّ بِاللَّهِ؛ هرکس از ترس تهی دستی ازدواج نکند، به خدای والاگمان بد برده است» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۸۵). تعبیر «مخافة الفقر» مؤید مقام «وعده» بودن است؛ زیرا «خوف»



در جایی است که هنوز ضرری به انسان نرسیده است، ولی توقع و احتمال آن در آینده می‌رود و چنانچه ضرر محقق شود، دیگر خوف و ترس، جایگاهی ندارد (ابوهلال عسکری، ۱۴۲۹، ص ۲۲۶ و مصطفوی ۱۴۰۲، ج ۳، ص ۱۴۵). از سوی دیگر، مصدر میمی «مخافة» با مصدر حقیقی «خوف» تفاوت آشکاری دارد؛ زیرا «مخافة» بر وضعیت و حالت وقوع فعل (حالت ترس از فقر) اشاره دارد، ولی «خوف»، نشان‌دهنده وقوع و حصول خود فعل (خود فقر) است؛ پس «مخافة الفقر» به معنای ترس از ابتلای به فقر در آینده و برای کسانی است که آمادگی و شرایط ازدواج دارند نه دچار بودن کنونی آنها به فقر.

بر پایه نقد ادبی، تفسیری و روایی که گذشت، دیدگاه قصدنشدن وعده غنا در آیه، قابل پذیرش نیست و اصل بر آن است که آیه در مقام بیان وعده الهی است. دیگر دیدگاه‌ها درباره کیفیت این وعده الهی (که در ادامه بیان و بررسی می‌شوند) گواه و شاهدی بر قصدشدن وعده در آیه هستند.

### ۳،۲. دیدگاه لازم نبودن استمرار وعده

#### ۳،۲،۱. تبیین دیدگاه

به باور برخی مفسران، دوام و استمرار رفع فقر و توسعه رزق، در کلّ زندگی لازم نیست؛ بلکه اگر در یک لحظه هم رخ دهد، وعده الهی در آیه صادق بوده و محقق شده است. بنابراین اگر فردی با ازدواج، در درازمدت بی‌نیاز نشود، خلف وعده الهی، لازم نمی‌آید. (ابن عربی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۳۷۹ و زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۱۸، ص ۲۳۸)

#### ۳،۲،۲. نقد دیدگاه

این دیدگاه نیز از دو زاویه نقد و بررسی می‌شود:

#### یک- نقد ادبی و تفسیری

الف) بر اساس مناسبات عرف عقلا و مرتکزات اجتماعی آنها، وعده رفع فقر از جانب خدا، مستمر و همیشگی است و استمرارنداشتن و لحظه‌ای و محدود ساختن آن، امری غیر عقلایی

۱. برخی آیات قرآن نیز این نکته ادبی را تأیید می‌کنند (روم: ۲۳؛ نبا: ۲۹؛ فرقان: ۴۷ و صافات: ۱۰۲).

است؛ در نتیجه، دیدگاه لازم نبودن استمرار وعده، مخالف سیره عقلاست. سیره عقلا، از قرائن لَبّی پیوسته به کلام به شمار می‌رود که ظهور لفظ را مشخص و گستره و تنگنای آن را معین می‌کند. (صدر، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۹۳-۱۹۹)

ب) ناهماهنگی این دیدگاه با قواعد ادبی و لغوی نیز مؤید این ادعاست؛ زیرا فعل مضارع «يُغْنِمُ» بر استمرار دلالت دارد. همچنین در قرآن، فعل ماضی از مادّه «رِزَقُ»، بر ثبوت و قطعیت دلالت دارد<sup>۱</sup> (عباسی، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۸۱) و فعل مضارع آن نیز بیان‌کننده استمرار و دائمی بودن رزق است. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۷ و ج ۴، ص ۳۶)

ج) افزون بر این، با استناد به اصل کَلَمی در آیه: ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا \* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ (انشریح: ۵-۶)، هر جا یک دشواری باشد، دو برابر آن، آسانی است (که البته به صبر و حوصله نیاز دارد). در ازدواج نیز هریک از زن و مرد، به تنهایی رزقی دارند که وقتی با ازدواج، کنار هم قرار می‌گیرند، این دو مجرا، یک جا سرازیر و سبب مزید رزق می‌شود. تعبیر نورانی قرآن در نکره آوردن «یسر» و معرفه آوردن «عسر» ناظر به همین لطیفه قرآنی است (جوادی آملی، ۱۳۹۶/۹/۱۲). این مزید رزق، به ازدواج ابتدایی اختصاصی ندارد و تا زمانی که زوجین با هم هستند، استمرار دارد. معنای واژه «الایامی» نیز این مطلب را تأیید می‌کند؛ زیرا - همان‌گونه که گذشت - این واژه می‌تواند شامل همسرداران هم بشود (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۴، ص ۴۲۶؛ راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۷۵؛ جرجانی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۶۸؛ مقدس اردبیلی، بی‌تا، ص ۵۰۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۳۲؛ زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۱۸، ص ۲۲۸ و خطیب، ۱۴۲۴، ج ۹، ص ۱۲۷). چنان‌که استناد مفسران به آیه: ﴿وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا﴾ (نساء: ۱۳۰) گواه این مطلب است (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۵۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۷۳؛ ابن عربی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۷۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۲۳۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۴۰۸؛ سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۷۷۱ و صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۷، ص ۳۷۰). همچنین روایات نیز این مطلب را تأیید می‌کنند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۳۱؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۸۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۴۴ و بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۶۳)

۱. کاربرد فعل ماضی در قرآن برای موارد حتمی الوقوع و تخلف ناپذیر در آینده مانند وقایع مربوط به روز قیامت، این مطلب را تأیید می‌کند: (یس: ۵۱؛ زمر: ۶۸؛ حاقه: ۱۳؛ ق: ۲۰؛ شمس: ۱-۱۴؛ انفطار: ۱-۵ و...)

## دو- نقد روایی

عدم لزوم استمرار وعده، ناهماهنگ با مضمون روایاتی است که تزویج را مایه افزایش دائمی رزق: «اتَّخِذُوا الْأَهْلَ فَإِنَّهُ أَرْزُقُ لَكُمْ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۵) و برکت مستمر: «تَزَوَّجْ فَإِنَّ فِي التَّزْوِيجِ بَرَكَهٌ» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۱۶۲) دانسته‌اند. «برکت» به معنای ثبوت، دوام و فزونی خیری است که در حال رشد و افزایش است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ص ۸۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۱۹ و ابن اثیر، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۰)؛ بنابراین در طلب برکت، نه تنها افزایش و زیادی نعمت و خیر، مطلوب است، بلکه دوام و بقای آن نیز طلب می‌شود. در نگاه تفسیری نیز برکت به معنای خیری است که در چیزی مستقر گشته و ملازم آن شده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۳۹۰) بر پایه آنچه گذشت، این دیدگاه به سبب ناسازگاری با قواعد لغوی و ادبی و همچنین مخالفت با آموزه‌های قرآنی و حدیثی، پذیرفته نیست.

## ۳،۳. دیدگاه اختصاص نداشتن «وعده» به توسعه مالی

### ۳،۳،۱. تبیین دیدگاه

در نگرش تفسیری برخی، وعده غنا و رفع فقر در آیه، به توسعه مالی اختصاص ندارد. در این دیدگاه، تفسیرهای مختلفی از مفهوم «غنا» ارائه شده است، از جمله: عفاف (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۷۵)، بی‌نیازی از نکاح به واسطه عفت، بی‌نیازی نفس (ابن عربی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۳۷۹)، یافتن زنی که به مهریه اندک راضی شود، زائل کردن شهوت و بی‌نیازی از زنان (زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۱۸، ص ۲۳۸-۲۴۰) و بی‌نیازی از حرام. (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۴۳۱ و راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۷۵-۷۶)

این گروه برای اثبات ادعای خود، مؤیداتی از آیات و روایات آورده‌اند:

الف) طبق آیه: «وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا» (نساء: ۱۳۰)، اگر زوجین از هم جدا شوند، خدا آنها را به واسطه نکاح با دیگری بی‌نیاز می‌کند (ابن عربی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۳۷۹ و زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۷۳). بنابراین، اگرچه لفظ «يُغْنِيهِمْ» در آیه، محل بحث عام است، هدف آیه، بیان رابطه غنا و عفاف است؛ یعنی به واسطه نکاح، شما را از وقوع در گناه، بی‌نیاز می‌کند. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص ۳۷۱-۳۷۲)

ب) بر پایه برخی روایات، خدای رحمان با اعطای حلال، جوانان را از حرام بی‌نیاز ساخته است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۰، ص ۲۷۲ و محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۱۰). همچنین روایت: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ فَشَكَاَ إِلَيْهِ الْحَاجَةَ، فَقَالَ تَزَوَّجْ فَتَزَوَّجَ فَوُتِّعَ عَلَيْهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۳۰ و حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۴۳)، این دیدگاه را تأیید می‌کند؛ زیرا به جای واژه «فقر»، لفظ «حاجت» را به کار برده که گوهر معنایی آن، بر اراده نیاز روحی، ظهور بیشتری دارد تا نیاز مادی. چون «حاجت» از ماده «حوج» و در اصل، به معنای اضطراب نسبت به امری (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۱۴)، نیاز به چیزی همراه علاقه و محبت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۶۳) و اظهار شفقت (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۲۹۰) است و بنابراین، ظهور بیشتری در نیاز روحی و روانی دارد. برخی کاربردهای قرآنی واژه «حاجت» نیز ناظر به خواست درونی و روانی است (یوسف: ۶۸؛ غافر: ۸۰؛ حشر: ۹) و بر نیاز نهانی و حالتی نهفته در ضمیر انسان دلالت دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۲۲۰ و ج ۱۷، ص ۸۵). همچنین بر اساس برخی روایات، جبرئیل امین نیز در عرضه یاری خود به حضرت ابراهیم علیه السلام از لفظ «حاجت» استفاده کرده که بر نیاز مادی و مالی دلالت ندارد. (صدوق، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۶)

### ۳.۳.۲. نقد دیدگاه

این دیدگاه، از دو جنبه قابل نقد و بررسی است:

#### یک- نقد ادبی و تفسیری

الف) تفسیر «غنا» به عفاف و خویشتن‌داری، بسیار بعید است؛ زیرا افزون بر ناهماهنگی با معنای لغوی «غنی»، به قرینه آیه ۳۲ سوره «نور»، منظور از فقر و غنا، همان مسائل مالی است، نه قدرت خویشتنداری و مدیریت شهوت جنسی (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج ۵۹، ص ۶۵۷). از سوی دیگر، تفسیر: «لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا» در آیه پسین به نیافتن همسر مناسب، نشان می‌دهد که مراد از غنا، مسائل مالی است نه خویشتنداری و عفاف؛ زیرا غالب مفسران درباره مفهوم عدم وجدان نکاح، به نیافتن مال و عدم تمکّن مالی اشاره کرده‌اند (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۴، ص ۴۲۶؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۷، ص ۱۳۱؛ قطب راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۷۵-۷۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص ۳۷۳؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۵، ص ۴۱۹؛ زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۱۸، ص ۲۲۸ و ۲۳۳ و طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۱۱۳). مفسران اندکی نیز عبارت: «لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا» را به نیافتن کفو یا همسر مناسب تفسیر کرده‌اند (اردبیلی، بی‌تا، ص ۵۰۵ و صادقی

تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۱، ص ۱۳۷) که در نهایت می‌توان گفت: این عبارت، اطلاق دارد و هر دو تفسیر را شامل می‌شود؛ ولی بر پایه سیاق و به قرینه: «يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» معنای ناتوانی مالی، ارجحیت دارد. بر این اساس، کسانی که برای پرداخت مهریه و دادن نفقه، توانایی لازم را ندارند، باید عفت بورزند، تا خدا از فضل بیکران خود، آنها را بی‌نیاز کند. البته بر پایه این احتمال که آیه پیش، قرینه‌ای باشد مبنی بر اینکه خدای والا، فقر مالی و اقتصادی را جبران می‌کند، احتمال دلالت «لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا» بر فقدان همسر مناسب نیز بعید نیست (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج ۵۹، ص ۶۵۶) و چه بسا مناسب‌تر هم باشد؛ زیرا آیه ۳۲ سوره «نور»، ناظر به اولیای عقد و آیه ۳۳، ناظر به خود افراد خواهان ازدواج است. افزون بر این، طلب صبر و عفت برای یافتن مال زیاد یا غنی شدن، شایسته نیست و در جایی به کار می‌رود که شرایط و توانایی تزویج نباشد؛ ولی اگر امکانات تزویج در حد معمول فراهم باشد، طلب صبر و عفت، پسندیده نیست. (اردبیلی، بی‌تا، ص ۵۰۵)

ب) مؤید دیگر برای قصدشستن مسائل مالی در عبارت: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»، محتوا و شأن نزول آیه مشابهی است که اغنای الهی را خصوص مسائل مالی می‌داند. در آیه: «وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (توبه: ۲۸) خدای والا، پس از اعلان پلیدی مشرکان، به مؤمنان فرمان می‌دهد تا از نزدیک شدن مشرکان به مسجد الحرام مانع شوند و اگر (به خاطر راندن کفار و قطع داد و ستد) از فقر و تنگدستی مالی می‌ترسند، باید بدانند که خدا به زودی آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۳). بر این پایه، گاهی مردم به اشتباه می‌پندارد که برقراری رابطه با مشرکان، مشکل اقتصادی آنها را برطرف می‌کند، درحالی‌که خدای رحمان است که فقر مسلمانان را برطرف و آنها را بی‌نیاز می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۴۹۵)

ج) افزون بر این نقدها، نقد ادبی دیگری نیز بر دیدگاه اختصاص نداشتن وعده به توسعه مالی وارد است؛ زیرا واژه «فضل» که در دو آیه پیش‌گفته آمده است، بیشتر در مفهوم زیادت در رزق و مال و مسائل اقتصادی به کار می‌رود (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۵۰۸ و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۳۹). در فرهنگ قرآن نیز فضل الهی بیشتر در برکات مادی و معنوی به کار رفته و در آیه ۳۲ سوره نور و آیات بسیاری (توبه: ۲۸؛ نحل: ۱۴؛ اسراء: ۱۲ و جمعه: ۹-۱۰) معنای رزق و برکات

مادّی مقصود است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۳۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۵۴۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۲۴۷ و جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۴۹۵)

د) افزون بر این، با بررسی کامل آیات قرآن از طریق جست و جویهای دقیق نرم افزاری مشخص گردید که از ۱۲۳ آیه مربوط به رزق، رزق دنیایی با ۹۴ مرتبه، فراوانی بیشتری نسبت به رزق آخرتی دارد که نشان دهنده اهمیت این موضوع در زندگی دنیایی است. از ۹۴ آیه مرتبط با رزق دنیایی نیز، ۷۶ آیه بیانگر رزق مادّی در دنیا و تنها دو آیه (هود: ۸۸ و واقعه: ۸۲) درباره رزق معنوی در دنیا است. ۱۶ آیه دیگر نیز مشترک میان رزق مادّی و معنوی هستند و بنابراین، دلالت واژه «فضل» بر توانایی مالی، ارجح به نظر می رسد.

## دو- نقد روایی

در روایاتی مشابه با روایت مورد استناد در دیدگاه پیش گفته، لفظ «حاجت» با واژه «أُتْرِئْتُ» همراه شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۳۱). مادّه «ثری» نیز بر ثروت و توسعه مالی دلالت دارد (ابن اثیر، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۰) و نشان می دهد که مراد از حاجت، نیاز مالی است نه روحی. افزون بر این، برخی روایات به صراحت به توسعه مالی اشاره دارند؛ چنان چه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «تَرَوُجُوا النِّسَاءَ فَإِنَّهُنَّ يَأْتِينَ بِالمَالِ؛ ازدواج کنید، زیرا زنان برای شما ثروت (توانگری) می آورند». (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۶)

بر پایه آنچه گذشت، دیدگاه اختصاص نداشتن وعده به توسعه مالی به سبب ناهماهنگی با برخی قواعد ادبی و نیز مستندات قرآنی و روایی، پذیرفته نمی شود.

## ۳،۴. دیدگاه اختصاص وعده به برخی از افراد

### ۳،۴،۱. تبیین دیدگاه

به باور برخی، وعده غنای الهی در آیه، می تواند مخصوص برخی افراد باشد نه همگان؛ از این رو، افراد متزوّجی هستند که از مال، بی نیاز نشده اند (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۷۵). برخی نیز معتقدند که عبارت: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ»، قضیه مهمله و در قوه جزئیّه است؛ یعنی در صورت فقر برخی افراد، خدای رحمان آنها را از فضل خویش بی نیاز می کند

نه آنکه هرکس که فقیر بود و ازدواج کرد، خدا وی را بی‌نیاز سازد. در نتیجه، دیگر این سؤال پیش نمی‌آید که گاهی نکاح، افراد غنی را فقیر می‌سازد؛ زیرا عکس موجب جزئیّه، موجب کلیّه است (سیوری حلی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۶۳۳). از نقاط مثبت این دیدگاه این است که به واسطه آن، تناقضی بین مفاد آیه ۳۲ نور با مفاد آیه پسین رخ نخواهد داد. در غیر این صورت، باید شاهد شکل‌گیری این تناقض باشیم؛ زیرا اگر آیه ۳۲ نور، بیانگر وعده رفع فقر به همه افراد و تشویق عمومی به ازدواج باشد، دستور به خویشتن‌داری در آیه بعد، بی‌معنا خواهد بود.

### ۳،۴،۲. نقد دیدگاه

این دیدگاه، از دو جنبه قابل نقد و بررسی است:

#### یک- نقد ادبی تفسیری

اگرچه با توجه به توضیحی که در دیدگاه برگزیده خواهد آمد، اختصاص وعده به برخی از افراد، بی‌اشکال به نظر می‌رسد، ولی این دیدگاه با عمومیت آیه ۳۲ سوره نور منافات دارد؛ چنان‌که برخی از مفسران و محققان ادبی، جمله: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءً» را استیناف بیانی دانسته‌اند که بر این اساس، در تمامی احوال، اراده عموم شده و خدا به همه ازدواج‌کنندگان وعده داده که اگر فقیر باشند، همه آنها را بی‌نیاز می‌گرداند (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۸، ص ۱۷۴؛ صافی، ۱۴۱۸، ج ۱۸، ص ۲۵۸ و علوان، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۱۵۵۵). بنابراین وعده غنا و وسعت رزق، به افرادی خاص محدود نیست. آری! همان‌گونه که خواهد آمد، افرادی از وعده الهی در آیه محل بحث بهره‌مند خواهند بود که به ازدواج اقدام کنند و افزون بر آن، شرایط، علل و عوامل تحقق وعده را نیز فراهم آورند. این دیدگاه، قرائتی متفاوت از اختصاص وعده غنا به برخی افراد است که در «دیدگاه برگزیده» به آن اشاره خواهد شد.

#### دو- نقد تعارض با آیه بعد

میان آیه ۳۲ سوره «نور» با آیه بعد از آن، هیچ تناقضی نیست، چون در اصل تناقض، یکی از دو قضیه، ناگزیر باید کلی باشد؛ یعنی موجب کلیّه با سالبه جزئیّه نقیض می‌شود و سالبه کلیّه نیز با موجب جزئیّه؛ ولی دو قضیه جزئیّه موجب و سالبه یا دو قضیه مهمله، هیچ‌گاه نقیض هم نمی‌شوند (مظفر، ۱۳۷۹، ص ۱۹۵). این دو آیه نیز در حکم قضیه جزئیّه‌اند

و هیچ‌یک نقیض دیگری نمی‌شوند و همان‌گونه‌که خواهد آمد، پیام آیه ۳۲ سوره نور، بی‌نیازشدن ازدواج‌کنندگان به صورت مطلق نیست، تا با آیه بعدی ناهماهنگ شود. (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج ۵۹، ص ۶۵۷)

دلیل جزئی‌بودن هر دو آیه، تفاوت موضوع آن دو با توجه به کاربرد مختلف دو واژه «أنکحوا» و «نکاح» است. آیه ۳۲ سوره نور، خطاب به اولیای نکاح است که به خاطر فقر، ازدواج افراد تحت ولایت خویش را به تأخیر نیندازند؛ لیکن آیه ۳۳، ناظر به خود افراد فقیری است که قصد ازدواج دارند که در صورت فراهم‌نبودن شرایط، باید صبر پیشه کنند و بر خدا توکل نمایند تا اسباب ازدواجشان آماده شود (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۵، ص ۴۱۹-۴۲۰ و جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج ۵۹، ص ۶۵۷-۶۵۸). افزون بر این، عطای الهی به مشیت او وابسته است و انسان هم به مشیت الهی آگاهی ندارد؛ پس هر دو آیه ۳۲ و ۳۳ سوره «نور»، نسبت به انسان ناآگاه، قضیه‌ای مهمله و در حکم قضیه جزئی‌هستند. از این رو، توهم ناهماهنگی دو آیه، دفع می‌شود. (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج ۵۹، ص ۶۵۸)

بر پایه آنچه گذشت، دیدگاه اختصاص وعده رفع فقر به برخی افراد، پذیرفته نمی‌شود.

### ۳،۵. دیدگاه مشروط‌بودن وعده بر حصول اسباب (دیدگاه برگزیده)

#### ۳،۵،۱. تبیین دیدگاه

بر اساس دیدگاه مختار، آیه ۳۲ سوره «نور»، در مقام بیان وعده الهی رفع فقر و بی‌نیازی ازدواج‌کنندگان است؛ اما این وعده الهی، اطلاق ندارد و ازدواج و تشکیل خانواده، علت تام برای تحقق این وعده نیست، بلکه باید همه علت‌های زمینه‌ساز و شروط لازم فراهم شود. به دیگر سخن، میان ازدواج و بی‌نیازی مالی، رابطه علّی و معلولی برقرار نیست، بلکه ازدواج از اسباب مهم برای تحقق وعده رفع فقر است که خود آن نیز به امور دیگری، مقید و مشروط شده است. بنابراین این وعده رفع فقر و توسعه مالی در آیه محل بحث، همه کسانی را در بر می‌گیرد که به نکاح یا انکاح اقدام کنند؛ اما انجام و تحقق این وعده، در گرو اتمام همه علل، عوامل و شروط است.



## ۳،۵،۲. ادله دیدگاه

اصل این دیدگاه، در برخی پژوهش‌های ترویجی اشاره شده است (موسوی، ۱۳۸۵)، اما باید در قالب تبیین علمی و دقیق، آن را مبرهن ساخت؛ بنابراین در اثبات دیدگاه برگزیده، گام به گام، به ادله زیر استناد می‌شود:

### ۳،۵،۲،۱. اصل تخلف‌ناپذیری وعده‌های الهی

از منظر دلیل عقلی، وعده خدای سبحان، تخلف‌ناپذیر است؛ زیرا خُلف وعده، از روی جهل، سهو، نسیان، عجز، بخل و ... صورت می‌گیرد و خدای سبحان از همه این امور مبرا است. پس خلف وعده نسبت به خدای والا ممتنع است.

بر پایه منطق قرآن و آیاتی نظیر: «إِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْمِيعَادَ» (آل عمران: ۱۹۴) و «وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ» (زمر: ۲۰)، کلام و قول و وعده الهی، احکامی حتمی هستند که تغییر و تبدیل در آنها راه ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۸۹) و در خصوص تخلف‌ناپذیری وعده رزق خدای سبحان نیز، صریح آیاتی نظیر: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ» (آل عمران: ۹) و «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ \* فَوَرَبَّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِفُونَ» (ذاریات: ۲۲-۲۳) و «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (هود: ۶) آن را مبرهن می‌سازد (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۰۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۲۷۰؛ زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۱۸، ص ۲۳۸ و جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۳، ص ۶۱۷). پس می‌توان نتیجه گرفت که وعده رفع فقر در آیه ۳۲ سوره «نور» نیز امری حتمی و تخلف‌ناپذیر است.

### ۳،۵،۲،۲. رابطه وعده‌های خدای سبحان با مشیت و اراده او

از منظر قرآن کریم، برای تحقق وعده‌های الهی، باید مشیت و اراده خدای والا نیز بر آن تعلق یابد (آل عمران: ۲۷؛ رعد: ۲۶؛ اسراء: ۳۰؛ قصص: ۸۲). برای نمونه، خدای متعال در آیه: «ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ»، وعده «نجات» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۲۵۴) و در آیه: «وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ» (توبه: ۲۸)، «توانگری» را به مشیت خود وابسته می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۲۲۹؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۲۹ و زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۱۰، ص ۱۷۰) و رهنمودش به مسلمانان این است که نگران

تنگدستی احتمالی نباشند و تنها به فضل او امید ببندند. (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۳۳، ص ۴۹۶) با توجه به این مطلب قرآنی می‌گوییم: در آیه ۳۲ سوره «نور» نیز شرط مضمّر «مشیت و اراده الهی» نهفته است. بنابراین، رفع فقر، به حکمت و مصلحت الهی و امور دیگری منوط است؛ چنان‌که وصف «علیم» در پایان آیه: «وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» می‌تواند این مطلب را تأیید کند (سایس، ۱۴۲۳، ص ۵۹۶ و نیشابوری، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۱۸۶). همچنین مضامین دیگر آیات قرآن (نور: ۳۳ و توبه: ۲۸) بر آن گواهی می‌دهد. (بیضاوی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۳۵؛ ابوحنبل اندلسی غرناطی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۳۸؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۳-۳۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۳۴۲ و جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج ۵۹، ص ۶۴۹-۶۵۰)

### ۳، ۵، ۲، ۳. اشتراط تحقق برخی از وعده‌های الهی بر حصول اسباب و وسائط

در نگرش قرآنی، وعده‌های الهی دوگونه هستند: گاهی فقط به فعل خدا برمی‌گردند که در این صورت، انجام آنها، قطعی و حتمی است و حصول هیچ‌گونه سبب و واسطه‌ای شرط نیست؛ چنان‌که فرمود: «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (مجادله: ۲۱). اما گاهی برخی از وعده‌های الهی، در محدوده افعال انسان قرار می‌گیرند و در این صورت، نیت و عمل انسان در انجام (تحقق) آنها نقش دارد. قرآن حکیم نیز این‌گونه وعده‌های الهی را با واژگانی همچون «علل»: «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّبَعُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (آل عمران: ۱۲۳) بیان می‌سازد؛ زیرا افعال انسانی، همواره دستخوش دگرگونی و زوال است. بر این اساس، عمل و وفای خدای سبحان به برخی وعده‌های خود و در نتیجه تحقق آن در عالم خارج، زمانی لازم می‌آید که همه اسباب و وسائط تحقق آنها در خارج فراهم گردد (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۱۳، ص ۱۴۴) که در نهایت، سبب تعلق مشیت و اراده الهی به انجام وعده می‌شود.

تحقق و انجام وعده الهی رفع فقر در آیه محل بحث نیز در محدوده فعل انسان و در گرو حصول اسباب و وسائط خاص آن در قلمرو فرد و اجتماع است که در این بخش، با استناد به دیگر آموزه‌های قرآنی و روایی، به تبیین این اسباب و وسائط در دو جنبه فردی و اجتماعی پرداخته می‌شود:

## الف) اشتراط اسباب و وسائط فردی ازدواج‌کنندگان

در نگاه فردی به آیه، تحقق وعده رفع فقر از سوی خدای سبحان، امری غالبی خواهد بود؛ زیرا بخشی از عملیات تحقق وعده رفع فقر، بر عهده خود انسانی است که ازدواج می‌کند. فقر و غنا، با کسب بشر همراه است و تحصیل روزی و کارکردن برای تأمین نفقه نیز امری واجب بر شوهران است (نساء: ۳۴). از این رو، هرچند آیه ۳۲ سوره نور، وعده رفع فقر و توسعه مالی می‌دهد، تحقق آن به عملکرد مؤمنانه انسان منوط است تا مشیت الهی نسبت به تحقق وعده رفع فقر را جلب کند. برای نمونه، اگر انسان‌ها به آموزه‌های دینی و قوانین شریعت در امر ازدواج پایبند باشند و ازدواج را با مهریه‌های کلان و جهیزیه‌های سنگین، سخت نکنند و با قناعت و عاقلانه زندگی کنند، خدای رحمان نیز به وعده خود عمل می‌کند و زندگی آنان را تأمین می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۲، ص ۵۲-۵۴؛ همان، ۱۴۰۰، ج ۵۹، ص ۵۱۷ و ۱۳۹۲/۲/۷)

رابطه همنشینی واژه «رزق» و «برکت» در قرآن با مفاهیمی همچون «ایمان» و «عبادت» و «تقوا» (اعراف: ۹۶ و طلاق: ۲-۳) نیز بر جوشش اسباب مادی از درون اسباب معنوی دلالت دارد. همچنین بر پایه سخنان حکیمان اهل بیت علیهم‌السلام، انسان باید برای تشکیل خانواده و تحصیل رزق و روزی، هم خود بکوشد و هم بر خدای رحمان توکل کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۳۰؛ متقی هندی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۰۳ و عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۵۹۵) و مادامی که نیت انسان، طلب رضای خدا باشد و حدود الهی را پاس بدارد، خدای رحمان به او روزی می‌دهد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۳۳ و خطیب، ۱۴۲۴، ج ۹، ص ۱۲۷۱)

بر پایه آیات و روایات دیگری نیز اگر انسان ازدواج کند، خداوند وعده‌اش را انجام می‌دهد و عملی می‌سازد، به ویژه اگر فرزنددار بشود؛ اما شرط آن، توکل و اعتماد بر خدا (آل عمران: ۱۷۳-۱۷۴؛ طلاق: ۳؛ متقی هندی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۰۳)، اطمینان به وعده الهی (بقره: ۲۵؛ انفال: ۷۴ و نحل: ۷۳)، ساده‌زیستی و قناعت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۳۹ و شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۵۸) و کار و تلاش لازم (نجم: ۳۹ و طه: ۱۵-۲۰) است (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج ۵۹، ص ۶۳۳). از سوی دیگر، مسائلی همچون تجمل‌گرایی و اسراف، از موانع توسعه رزق و افزایش برکت معرفی شده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۲ و ۵۵ و حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۲۷)

از جنبه عرفی نیز مادامی که انسان مجرد باشد و فقط مسئولیت خودش را بر دوش بکشد، انگیزه‌ای برای تلاش بیشتر برای تحصیل روزی ندارد؛ لیکن زمانی که ازدواج کند، تمام نیروها و استعدادهای بالقوه و خدادادی خود را به کار می‌گیرد و با فعالیت بیشتر، مبدأ بازدهی اقتصادی و صاحب اموال فراوانی می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۱۱)

### ب) اشتراط اسباب و وسائط اجتماعی اولیای عقد

با نگاه اجتماعی به آیه ۳۲ سوره «نور» نیز، نوع دیگری از اشتراط اسباب برای تحقق وعده الهی برداشت می‌شود؛ زیرا گاهی همه اسباب و وسائط، با سلوک فردی و عمل شخصی حاصل نمی‌شوند و باید افزون بر آن، سلوک اجتماعی نیز رعایت شود و دیگر افراد جامعه نیز وظیفه خودشان را به درستی انجام دهند. در این حال، وعده الهی به گونه قطعی تحقق می‌یابد و خدای رحمان، انسان مزدوج و فقیر را بی‌نیاز می‌سازد. (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج ۵۹، ص ۷۱۵)

در اثبات این مطلب، می‌توان به چند دلیل استناد کرد:

یک- فعل امر باب افعال «انکحوا» در آیه محل بحث؛ زیرا باب افعال، بر توجّه به جنبه صدور فعل و قصد فاعل دلالت می‌کند (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۱۲، ص ۸۸) و لازمه آن، تمکن انجام دادن فعل از جانب فاعل است و این نکته در همه کاربردهای قرآنی باب «افعال» صدق می‌کند. بنابراین شاید بتوان گفت: ترغیب موجود در آیه نکاح، برای رفع موانع ازدواج از سوی اولیای عقد و مسئولان جامعه است. بنابراین لازم است امت اسلامی و اولیای نکاح، افراد بی‌همسر را به ازدواج ترغیب کنند و زمینه‌های آن را فراهم سازند. برای نمونه، بخشی از هزینه‌های مادّی و معنوی آن را بر عهده گیرند و از کمک مالی و فکری و وساطت در این راه، دریغ نورزند (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج ۵۹، ص ۶۳۴). همچنین مسئولان نظام اسلامی باید برای ازدواج در سطح کلان، برنامه‌ریزی کنند و تسهیلاتی را اختصاص دهند. برای نمونه، بخشی از بودجه‌ها را در اختیار ازدواج جوانان قرار بدهند تا خدای رحمان نیز بودجه و درآمد کشور و سرانه مملکت را بیشتر کند. (همان، ص ۶۵۷)

دو- یادکرد عبارت «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ» پس از جمله «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى»، بیانگر لزوم انفاق اولیای عقد برای تزویج جوانان نیازمند است (صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۱، ص ۱۳۷ و سیوطی، ۱۴۰۴،

ج ۵، ص ۴۵). از راهکارهای مساعدت مالی جوانان نیازمند، وصیت تملیکی در زمان حیات و وقف کردن بخشی از اموال برای تأمین مهریه یا جهیزیه و مانند آن و در نتیجه، تسهیل ازدواج آنان است (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج ۵۹، ص ۶۵۰)

سه - سیاق آیات موجود در سوره (نور: ۲۲-۳۱) نشان می‌دهد که خطاب در «انکحوا»، به مؤمنان متمکن (اعم از زن و مرد) و کسانی است که توان مالی و قدرت همسر دادن افراد نیازمند را داشته و از جهت فکری، مالی و رفع نیازهای ازدواج، می‌توانند نقش آفرین باشند. (ابن عربی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۳۷۶؛ کیهراسی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۳۱۳؛ سیوری حلی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۳۴؛ زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۱۸، ص ۲۳۰؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۵، ص ۴۱۹ و خطیب، ۱۴۲۴، ج ۹، ص ۱۲۷۰)

چهار - فراتر از این آیه، قبض و بسط نظام اقتصادی در دین اسلام، به حصول اسباب و وسائلی وابسته است که خدای حکیم در تعالیم آن قرار داده است. در اقتصاد اسلامی، درصدی از سهم نیازمندان جامعه در اموال ثروتمندان نهاده شده است: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمُحْرُومِ» (ذاریات: ۱۹) و فقر و محرومیت مالی نیازمندان، باید با خمس، زکات و صدقات واجب از سوی توانگران برطرف گردد. همچنین بر اساس برخی روایات دینی، مستمندان، شریک اموال اغنیا هستند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۴۵). با توجه به این‌گونه تعالیم دینی، چنین اعطایی از سوی ثروتمندان، در واقع بخششی از ناحیه خدای رحمان به فقرا است (جوادی آملی، بی‌تا، ج ۴۸، ص ۴۵۱-۴۵۶). بنابراین بخشی از مشکلات مالی جوانان نیازمند به ازدواج، باید به دست دیگر مردم جامعه یا مسئولان ذی‌ربط برطرف می‌شود. (همان، ۱۳۹۴/۷/۵)

به هر روی، وعده توسعه رزق در آیه ۳۲ سوره «نور»، دایره گسترده‌ای دارد که فقط به زوجین محدود نمی‌شود، بلکه اولیای عقد و مسئولان نظام اجتماعی را هم دربرمی‌گیرد. با چنین نگاهی فراگیر به آیه، وعده تحقق رفع فقر و توسعه مالی از سوی خدای والا، هم مشروط به عملکرد ازدواج‌کنندگان است و هم اولیای نکاح و مسئولان مرتبط در جامعه، تا در نهایت، مشیت الهی به انجام این وعده الهی تعلق بگیرد.<sup>۱</sup>

۱. برای آگاهی از مجموعه عوامل و شرایط مؤثر در تحقق وعده غنای الهی، به مقاله «ازدواج، موجب افزایش رزق و روزی» نوشته سیدجوادی موسوی (۱۳۸۵ش) ماهنامه مبلغان، شماره ۸۶ مراجعه شود.

## نتیجه‌گیری

خدای والا در مسئله تشکیل خانواده و نکاح، که مقدمه تشکیل يك خانواده بزرگ و ائمت اسلامی است، گاهی به صورت توصیه اخلاقی و گاهی به صورت حکم شرعی، مطالبی را بیان می‌کند. به ویژه در آیه ۳۲ سوره «نور»، به جوانان و اولیای آنها وعده می‌دهد که با ازدواج و تشکیل خانواده، فقرشان رفع می‌گردد و زندگی‌شان به لحاظ مادی، رونق خواهد گرفت. با توجه به آنکه گاهی در خارج، این وعده ظاهراً محقق نمی‌شود، دیدگاه‌هایی از سوی مفسران فریقین درباره کیفیت تحقق وعده مذکور بیان گردیده است. به عقیده برخی، خدای والا در مقام بیان وعده رفع فقر نیست تا خلف وعده پیش آید، بلکه فقط در مقام بیان امید به جوانان و ترغیب آنها به ازدواج است. برخی به عدم کلیت تحقق وعده و شمول آن برای برخی افراد قائل شده‌اند. برخی دیگر نیز، استمرار وعده توسعه رزق را لازم نمی‌دانند؛ از این رو بر یک لحظه هم صدق می‌کند. برخی نیز بی‌نیاز ساختن خدا را به عفت و خویشترنداری معنا کرده‌اند. به باور برخی، وعده غنا، می‌تواند مخصوص برخی افراد باشد نه همگان. هریک از دیدگاه‌ها، با انتقاداتی روبه‌روست.

بر اساس دیدگاه برگزیده، وعده رفع فقر و بی‌نیاز شدن در آیه، منجز و قطعی است؛ ولی تحقق آن در خارج، مشروط به حصول اسباب و وسائط فردی و اجتماعی است. در واقع، ازدواج و تشکیل خانواده، علت تامّ برای توسعه رزق نیست و باید همه علل مُعدّه و شروط فردی ازدواج‌کننده، نظیر ایمان، تقوا، ساده‌زیستی و قناعت، حیات طیب، توکل و اطمینان به خدا و تلاش خود افراد فراهم شود تا این وعده الهی تحقق یابد. افزون بر این، اولیای عقد و مسئولان جامعه نیز باید مساعدت مالی لازم در امر تزویج جوانان را به کار گیرند.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم، (۱۳۷۳ش)، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲. آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (بی تا)، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، قم: اسماعیلیان.
۴. ابن سیده، علی بن اسماعیل (بی تا)، المحکم و المحيط الاعظم، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۵. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق)، التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۶. ابن عربی، محمد (۱۴۰۸ق)، احکام القرآن، بیروت: دار الجیل.
۷. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس فی اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۸. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار الفکر.
۱۰. ابویحان اندلسی غرناطی، محمد بن یوسف بن علی (۱۴۲۰ق)، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر.
۱۱. ابوهلال عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۲۹ق)، الفروق فی اللغة، قاهره: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۵ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه البعثة.
۱۳. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۹ق)، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. جرجانی، ابوالفتح (۱۳۶۲ش)، تفسیر شاهی (آیات الاحکام)، تهران: نوید.
۱۵. جصاص، احمد (۱۴۰۵ق)، احکام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش)، تفسیر تسنیم، ج ۱۲ و ۱۸، قم: اسراء.
۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷ش)، تفسیر تسنیم، ج ۱۱ و ۱۴، قم: اسراء.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۸ش)، تفسیر تسنیم، ج ۴۸، قم: اسراء.
۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴/۷/۵)، تفسیر سوره احزاب، جلسه ۱۱: (www.portal.esra.ir).
۲۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲/۲/۷)، درس خارج فقه نکاح، جلسه ۴: (www.portal.esra.ir).
۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶/۹/۱۲)، درس خارج فقه نکاح، جلسه ۲۵۹: (www.portal.esra.ir).
۲۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۲۰ق)، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دار العلم للملایین.
۲۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۲۴. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ق)، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، بیروت: دار الفکر.
۲۵. خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ق)، التفسیر القرآن للقرآنی، بیروت: دار الفکر العربی.
۲۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.
۲۷. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار الشامیة.

۲۸. زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس فی جواهر القاموس، بیروت: دار الهدایة.
۲۹. زحیلی، وهبه (۱۴۱۱ق)، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، دمشق: دار الفکر.
۳۰. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دار الکتب العربی.
۳۱. سابس، محمد علی (۱۴۲۳ق)، تفسیر آیات الاحکام، بیروت: المكتبة المصرية.
۳۲. سید قطب، سیدابراهیم حسین شاذلی (۱۴۲۵ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.
۳۳. سیوری حلی، مقداد بن عبدالله (۱۳۷۳ش)، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران: مرتضوی.
۳۴. سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۵. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ق)، کتاب نکاح، قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
۳۶. شعرانی، ابوالحسن (۱۳۸۶ش)، پژوهش های قرآنی علامه شعرانی در تفاسیر مجمع البیان، روح الجنان و منهج الصادقین، قم: بوستان کتاب.
۳۷. شوکانی، محمد (۱۴۱۴ق)، فتح القدیر، دمشق: دار ابن کثیر.
۳۸. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم: فرهنگ اسلامی.
۳۹. صافی، محمود (۱۴۱۸ق)، الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانہ مع فوائد نحویة هامة، دمشق: دار الرشید.
۴۰. صدر، سید محمد باقر (بی تا)، بحوث فی علم الاصول، تقریرات سید محمود حسینی شاهرودی، قم: موسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
۴۱. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶ق)، علل الشراعی، قم: داورى.
۴۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴۴. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م)، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، اردن: دار الکتب الثقافی.
۴۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۴۶. طبرسی، حسن (۱۳۷۰ش)، مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی.
۴۷. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
۴۸. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۹. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۵۰. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام.
۵۱. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین (۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام فی تنقیح شرائع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة.
۵۲. عباسی، حسن (۱۳۶۷ش)، النحو الوافی، تهران: ناصر خسرو.
۵۳. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.



٥٤. العكبري، ابوالبقاء عبدالله بن حسين (١٤١٩ق)، التبيان في اعراب القرآن، رياض: بيت الافكار الدولية.
٥٥. علوان، عبدالله بن ناصر (١٤٢٧ق)، اعراب القرآن الكريم، مصر. طنطا: دار الصحابة للتراث.
٥٦. فخر رازی، محمد (١٤٢٥ق)، تفسير كبير (مفاتيح الغيب)، بيروت: دار احياء التراث العربي.
٥٧. فراهیدی، خليل بن احمد (١٤١٥ق)، العين، قم: هجرت.
٥٨. فيض كاشاني، محمد (١٤١٥ق)، تفسير صافي، تهران: مكتبة الصدر.
٥٩. فيومي، احمد بن محمد (بی تا)، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، قم: منشورات دار الرضى.
٦٠. قرشي، سيد علي اكبر (١٤١٢ق)، قاموس قرآن، تهران: دار الكتب الاسلامية.
٦١. قرطبي، محمد (١٣٦٤ش)، الجامع لاحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
٦٢. قطب راوندى، سعيد (١٤٠٥ق)، فقه القرآن، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى.
٦٣. كليني، محمد بن يعقوب (١٤٠٧ق)، الكافي، تهران: اسلامية.
٦٤. كياهراسي، علي بن محمد (١٤٢٢ق)، احكام القرآن، بيروت: دار الكتب العلمية.
٦٥. متقى هندی، علي بن حسام الدين (بی تا)، كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، بيروت: دار احياء التراث العربي.
٦٦. مجلسي، محمد باقر (١٤٠٤ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، بيروت: مؤسسة الوفاء.
٦٧. محدث نوري، حسين (١٤٠٨ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بيروت: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
٦٨. محقق داماد، سيد مصطفی (١٣٨٧ش)، بررسی فقهی حقوق خانواده، قم: مركز نشر علوم اسلامي.
٦٩. مصطفوی، حسن (١٤٠٢ق)، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران: مركز الكتاب للترجمة و النشر.
٧٠. مظفر، محمدرضا (١٣٧٩ش)، المنطق، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٧١. معرفت، محمد هادي (١٤١٥ق)، التمهيد في علوم القرآن، قم: مركز مديريت حوزه علميه قم.
٧٢. مغنيه، محمد جواد (١٤٢٤ق)، التفسير الكاشف، قم: دار الكتاب الاسلامي.
٧٣. مقدس اردبيلي، احمد، (بی تا)، زبدة البيان في احكام القرآن، تهران: مكتبة المرتضوية.
٧٤. مكارم شيرازي، ناصر (١٤٢٤ق)، كتاب النكاح، قم: مدرسة امام علي بن ابي طالب عليه السلام.
٧٥. موسوي، سيد جواد (١٣٨٥ش)، «ازدواج، موجب افزايش رزق و روزي»، ماهنامه مبلغان، ش ٨٦، ص ٨٥-٩٦.
٧٦. نظام نيشابوري، حسن بن محمد (١٤١٦ق)، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بيروت: دار الكتب العلمية.